

نظریه‌های جامعه اطلاعات

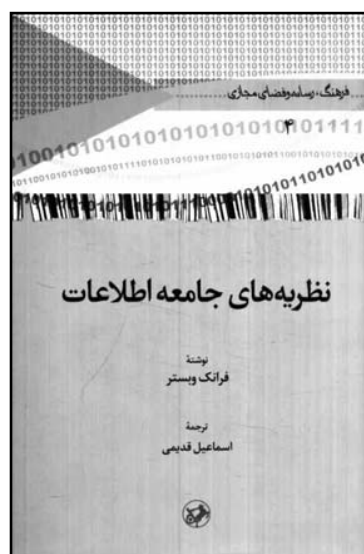
■ دکتر محمود بابانی*

استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

آن ارائه ندادند (ساه، لیم، ۲۰۰۲).

کاربرد مفهوم جامعه اطلاعاتی، توصیف گرایش به استفاده از اطلاعات و فناوری‌های نوین در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، و راهی برای توجیه و تفسیر تغییرات اجتماعی در دهه پایانی قرن بیستم است. در چارچوب این مفهوم، تحلیل نقش و تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی بر جامعه در سطح کلان، و برای متمایز نمودن جامعه نوین متأثر از فناوری اطلاعات از جامعه صنعتی مورد توجه قرار می‌گیرد. نظریه جامعه اطلاعاتی، به آزمون شرایط اجتماعی مدرن می‌پردازد که متفاوت از شرایط جامعه صنعتی یا سرمایه‌داری است.

پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه زندگی ما را در عرصه‌های کار، دادوستد، آموزش، مطالعه، پژوهش و تفریح تغییر داده است. آنچه جامعه اطلاعاتی را متمایز می‌سازد، نخست، نفوذ فراگیر فناوری‌های اطلاعاتی در منازل، محل‌های کار و امور روزمره زندگی؛ دوم، پیدایش طبقات نوین فقیر و غنی، از نظر برخورداری از اطلاعات؛ و سوم، کاهش سطح تسلط دولت‌ها بر زندگی افراد جامعه و پیدایش جرایم پیچیده موسوم به «جرایم سایبری» است. برداشت‌های گوناگونی از مفهوم کلی «جامعه اطلاعاتی» وجود دارد. نویسندگان و اندیشمندان به تناسب رویکرد خود، بر جنبه‌ای خاص از آن تأکید نموده‌اند. تأکید بر جنبه‌های اقتصادی و تغییر در الگوهای تولید، جهانی‌سازی، مالکیت و استفاده از اطلاعات، وابستگی توسعه به اطلاعات و دانش، گونه‌هایی از ابعاد مورد توجه اندیشمندان در تعریف جامعه اطلاعاتی است. دانیل بل^۵ جامعه اطلاعاتی را جامعه‌ای می‌داند که کنترل اجتماعی، مدیریت نوآوری و تغییر در آن، مبتنی بر دانش است. نیک مور^۶ بر این باور است که در جامعه اطلاعاتی، اطلاعات به عنوان یک منبع اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماسودا، یک از نظریه‌پردازان برجسته این حوزه، جامعه اطلاعاتی را نوعی جدیدی از جامعه می‌داند که مالکیت اطلاعات (نه به عنوان ثروت مادی) نیروی



■ وبستر، فرانک. نظریه‌های جامعه اطلاعات. ترجمه‌ی اسماعیل قدیمی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰ (چاپ اول). ۵۵۵ ص. ۱۲۰۰۰۰ ریال. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۳۸۹-۲

ویژگی‌های متن اصلی کتاب:

Webster, Frank. Theories of the Information Society. Routledge: 2006, 304 P., ISBN: Paperback: 978-0-415-40633-8; ISBN: Hardback: 978-0-415-40632-1

مقدمه

مفهوم جامعه اطلاعاتی به عنوان یک اندیشه علمی، در نتیجه جمع‌بندی مطالعات تجربی پذیرفته شد. اما تا سال ۱۹۹۰ که ماسودا^۱ این مفهوم را به کار برد، چندان رایج نبود. پیش از این، در دهه ۱۹۶۰ دو اندیشمند ژاپنی به نام‌های تاداو^۲ و یوجیرو^۳ از این مفهوم استفاده کرده بودند اما تعریف علمی از



نظریه جامعه

اطلاعاتی، به آزمون

شرایط اجتماعی مدرن

می‌پردازد که متفاوت

از شرایط جامعه

صنعتی یا سرمایه‌داری

است

دانیل بل جامعه

اطلاعاتی را جامعه‌ای

می‌داند که کنترل

اجتماعی، مدیریت

نوآوری و تغییر در آن،

مبتنی بر دانش است

است. در ترجمه جدید از ویرایش سوم، عنوان قبلی کتاب از نظریه‌های جامعه اطلاعاتی به نظریه‌های جامعه اطلاعات تغییر یافته است. ناشر پیشین ترجمه فارسی این اثر (چاپ اول و دوم)، انتشارات قصیده‌سرا بود.

ترجمه دیگری از متن این کتاب، توسط مهدی داودی در سال ۱۳۸۹ در دسترس است. این ترجمه در ۴۴۶ صفحه، توسط مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه منتشر شده است.

نویسنده کتاب

نویسنده کتاب، فرانک وبستر، که به خاطر همین اثر شهرت جهانی یافته، در دانشگاه‌های متعددی در بریتانیا به تدریس اشتغال داشته است. وی از سال ۲۰۰۳ از دانشگاه بیرمنگام به دانشگاه سیتی لندن پیوست و به عنوان استاد تمام وقت به تدریس و پژوهش پرداخت. آثار متعددی از وی در حوزه‌های ارتباطات، اطلاعات، دگرگونی‌های جوامع، تغییرات اجتماعی، رسانه نوین، کتابخانه‌های عمومی و آموزش عالی منتشر شده است. همچنین ده‌ها مقاله از وی منتشر شده و اکنون در تکاپوی خلق اثر نوینی با عنوان دموکراتیک‌سازی اطلاعات است.

مترجم کتاب

دکتر اسماعیل قدیمی، دانش‌آموخته رشته علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی است که بیشتر در حوزه مطالعات

محرکه تحول و توسعه آن است و خلاقیت فکری انسان شکوفایی می‌شود (کاونن^۶، ۲۰۰۱، ص ۳۲).

جامعه اطلاعاتی، یک ساختار اجتماعی مبتنی بر تولید، توزیع، دسترسی و استفاده آزادانه از دانش و اطلاعات، و جهانی شدن حوزه‌های گوناگون زندگی است. در چنین جامعه‌ای بشریت فرصت می‌یابد تا راه تازه‌ای را برای ارتقای استاندارد سطح زندگی خود بیابد و با بهره‌مندی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نقش بهتری در جامعه ایفا کند (کاروالیکس^۸، ۲۰۰۷، ص ۳۴).

ویژگی بارز جامعه اطلاعاتی، استفاده گسترده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین در فعالیت‌های شخصی (زندگی روزمره)، اجتماعی، آموزشی، کسب و کار، توانایی انتقال، دریافت و مبادله سریع داده‌های دیجیتالی، بدون در نظر گرفتن فاصله مکانی است.

بیشتر اندیشمندان و نویسندگان این حوزه مطالعاتی، بر این باورند که اهم ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی را می‌توان با توجه به شاخص‌هایی همانند: شاخص‌های فنی و زیرساختی، اشتغال و کارآفرینی، اقتصادی، زمان و مکان، فرهنگ، و تعامل مردم - دولت، مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.

درباره کتاب

سه ویرایش از کتاب نظریه‌های جامعه اطلاعات تا کنون منتشر شده و ترجمه فارسی آن توسط دکتر اسماعیل قدیمی، از روی ویرایش دوم (۲۰۰۲) و ویرایش سوم (۲۰۰۶) بوده

روابط عمومی و تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی فعال بود.

مروری بر محتوای کتاب

ویرایش سوم کتاب، در مقایسه با نسخه‌های قبلی دارای افزونگی‌ها و اصلاحات قابل توجهی است و از منابع جدید نیز برای تبیین نظریه‌ها بهره‌برداری شده است. مرور و مقایسه متن کنونی ترجمه با ترجمه پیشین نشان می‌دهد که مترجم نیز به سهم خود به بازبینی، ویرایش و اصلاح بخش‌های زیادی از متن ترجمه اقدام نموده است.

مطالب این کتاب در قالب ده بخش تدوین شده است. در بخش اول با عنوان «پیش‌درآمد»، نویسنده به سرچشمه‌های پیدایش مفهوم جامعه اطلاعاتی پرداخته و هدف از تألیف و شیوه تدوین کتاب را بیان می‌کند.

بخش دوم با عنوان «جامعه اطلاعاتی چیست؟» با بیان دشواری‌های تعریف اصطلاح «جامعه اطلاعاتی»، به رویکردهای گوناگون و شاخص‌های تعریف جامعه اطلاعاتی می‌پردازد.

در بخش سوم، دیدگاه دانیل بل پیرامون جامعه پسا صنعتی^۱ و بخش‌بندی جامعه از سوی وی به قلمروهای جداگانه، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. به ادعان نویسنده، بل جامعه‌شناسی پیچیده و خبره است و ارزیابی دیدگاه وی بس دشوار.

«نظریه دیستان سامان‌بخشی» عنوان بخش چهارم است و به بررسی ادعاهایی پرداخته که گذار از رژیم انباشت فوردیستی به پسا فوردیستی و کنکاش پیرامون آن را مطرح می‌کند.

در بخش پنجم، نظریه جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز بر پایه اثر سه‌جلدی عصر اطلاعات وی که طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ منتشر شد، مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

دیدگاه هربرت شیلر، از نظریه‌پردازان انتقادی، در بخش ششم، با عنوان «اطلاعات و بازار» بحث و بررسی شده و نگاه شیلر به سرشت راستین جهان، به جای نگاه به امکانات فناورانه یا آینده‌پنداری، مورد حمایت نویسنده قرار می‌گیرد.

دیدگاه چالش‌برانگیز یورگن هابرماس زیر عنوان «اطلاعات و مردم‌سالاری»، موضوع بحث بخش هفتم کتاب است. در این بخش، چالش‌های پیش روی درستی و جامعیت اطلاعات، و مفهوم محوری «گستره همگانی»^۲ در اندیشه هابرماس از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد. «اطلاعات، بازتاب‌پذیری و پایش»، عنوان بخش هشتم است که به بررسی اندیشه‌های آنتونی گیدنز می‌پردازد. در این بخش، نویسنده با استفاده از آثار گیدنز، ابعاد عمده مدرن‌سازی بازتابی و پایش را ترسیم نموده و اهمیت فزاینده و شکل اطلاعات را در سال‌های گذشته توجیه می‌کند.

در بخش نهم با عنوان «اطلاعات و پسامدرنیت»، به تبیین مفهوم پسامدرنیسم و ویژگی‌های روشن‌اندیشی و اجتماعی آن، و انفجار نشانه‌ها در عصر مدرن پرداخته شده و نسبت آن با اطلاعات مورد بحث قرار گرفته است.

نویسنده اثر، در بخش دهم با عنوان «جامعه اطلاعات؟» به جمع‌بندی مباحث و بیان صریح‌تر دیدگاه‌های خویش می‌پردازد.

نویسنده از همان آغاز کار، برخورد چالشی خود را به نمایش می‌گذارد و حتی آزمون‌پذیری شاخص فناوری را نفی می‌کند. به نظر می‌رسد، ذهن خواننده از همان ابتدا، به سمتی جهت داده می‌شود که «جامعه اطلاعاتی» را امری موهوم و غیرواقعی بداند. البته نویسنده در عین حال که به زعم خود، بر ناتوانی «باورمندان به جامعه اطلاعاتی» بر ارائه تعریف روشن تأکید می‌کند، در ادامه به طور اساسی تکلیف خود را با اصل مفهوم «جامعه اطلاعاتی» روشن می‌کند: «اصطلاح جامعه اطلاعات اگرچه به عنوان طرحی ابتکاری در استنباط ابعاد گوناگون دنیای معاصر دارای ارزش‌هایی است، اما به صورت غیرموشکافانه کنونی‌اش نمی‌تواند به عنوان اصطلاح تعریف‌کننده وضع موجود پذیرفتنی باشد. به همین منظور در سراسر این کتاب اگرچه به اجبار، این مفهوم را به کار می‌برم و اذعان دارم که اطلاعات نقش تعیین‌کننده‌ای در عصر کنونی دارد، اما در بررسی نمایش‌نامه‌های جامعه اطلاعات، تردید خود را بیان داشته و بر شک خود نسبت به این دیدگاه که اطلاعات عمده‌ترین وجه شناسایی دوران ما است، پابرجا خواهم ماند» (ص ۵۵). با این حال، نویسنده بر این باور است که اصطلاح «جامعه اطلاعات»، با وجود گمراه‌کننده بودنش، همچنان می‌تواند در درک ذهنی و اکتشافی ما از جامعه کنونی ارزشمند باشد (ص ۲۷).

به روشنی می‌توان دریافت که محتوای کتاب، مربوط به دو طیف از نظریه‌پردازان است: نخست، کسانی که جامعه اطلاعاتی را آرمان‌شهری نوین می‌دانند که از جامعه کهنه سر برآورده است، مانند پسا صنعت‌گرایان، پسامدرنیست‌ها و دیدگاه مانوئل کاستلز. دوم، دیدگاهی که بر پیوستگی تأکید دارد و مناسبات را در یک روند مستمر می‌نگرد و تغییری در پیکره اصلی نمی‌یابد، مانند: هربرت شیلر و سایر نومارکسیست‌ها، میشل اگلی یتا، آلن لیپی و سایر پیروان نظریه سامان‌بخشی؛ دیوید هاروی، آنتونی گیدنز، و یورگن هابرماس.

نویسنده در بخش پایانی اذعان می‌کند از طریق دیدگاه‌های اندیشمندانی چون شیلر، گیدنز، کستلز، بل، و هابرماس به برجستگی اطلاعات در زندگی کنونی پی می‌بریم و زاویه دید هر کدام از آنان، جنبه ویژه‌ای از اهمیت اطلاعات را در جامعه کنونی به نمایش می‌گذارد. با این حال، نویسنده سناریوی‌های جامعه اطلاعاتی را نارسا، و این مفهوم را معیوب می‌داند، چرا که داعیه ظهور گونه نوینی از جامعه را دارند، چه

این گونه نوین «جامعه پسا صنعتی» خوانده شوند یا «جامعه شبکه‌ای».

آخرین پاراگراف کتاب، موضع نهایی نویسنده اثر را با صراحت بیشتری آشکار می‌کند: «کسانی که اطلاعاتی‌سازی^{۱۱} را در شرایط پیوستگی‌های تاریخی شرح می‌دهند، به ما راه بهتری را برای درک بهتر دنیای امروز نشان می‌دهند» (ص ۵۱۴). آنان کسی جز طیف فکری گیدنز، شیلر و هابرماس نیستند.

نقاط قوت کتاب

۱- جامعیت کتاب: این اثر، از آن جهت که نسبت به سایر آثار، به نوعی جامعیت دارد، دارای ارزشی منحصر به فرد است. با این قید که حتی بازخوانی نظریات مطرح شده نیز با رویکرد انتقادی است. در این اثر می‌توان با دو دسته از نظریه‌پردازان پیرامون جامعه اطلاعاتی آشنا شد. نخست، نظریاتی که رویکردی خوشبینانه دارند و بر این باورند که هر نسل و عصری، آرمان‌شهر خاص خود را دارد و نسل کنونی، آرمان‌شهرش را در تحقق جامعه اطلاعاتی می‌بیند. دانیل بل، ژان بودریار، مارک پوستر، میشل پیور، چارلز سیبل و مانوئل کستلر که شامل طیفی از گرایش‌های چپ و راست است، از آن جمله‌اند. دوم، نظریاتی که حاوی دیدگاه‌های انتقادی به روندهای حاکم است و ضمن تأکید بر اهمیت دستاوردهای نوین فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، تداوم وضعیت موجود و مناسبات رایج در جامعه سرمایه‌داری را به چالش می‌کشند. هربرت شیلر، میشل آگل یتا، دیوید هاروی، آنتونی گیدنز، یورگن هابرماس و نیکلاس گارنهام نیز از این دسته افراد هستند.

۲- برخورد انتقادی: محتوای این اثر به دلیل شیوه رویارویی نویسنده با نظریه‌پردازان، بسیار ارزشمند است. نویسنده، ضمن پرهیز از پیش‌داوری درباره نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، از هر گونه اظهار شیفتگی خودداری ورزیده و با دیدگاهی پرسشگرانه، با طرح انتقادات و شکایات ذهنی خود، خواننده را از فروغلتیدن در وادی مطلق‌گرایی و شیفتگی برحذر می‌دارد.

۳- تنوع و غنای منابع: برای تألیف این اثر، از حدود یک‌هزار منبع، اعم از کتاب، مقاله، و گزارش استفاده شده است. نویسنده نشان داده است که تک‌تک منابع این سیاهه انبوه، در خلق اثر، تأثیرگذار بوده‌اند و به نوعی، این سیاهه می‌تواند یک کتاب‌شناسی برای نظریه‌ها و رویکردهای جامعه اطلاعاتی باشد.

۴- یادداشت‌های تکمیلی: پاورقی‌ها و توضیح‌های ارزشمند مترجم در خلال مباحث، موجب دسترسی خواننده به اطلاعاتی می‌شود که در متن کتاب بدان‌ها اشاره نشده و برای خواننده فارسی‌زبان ناآشناست.

نقاط ضعف کتاب

۱- نفی مفهوم جامعه اطلاعاتی در مباحث آغازین، و اذعان نویسنده به «اجبار» در کاربرد مفهوم «جامعه اطلاعاتی»، مخاطب را از رسیدن به درک روشنی از واقعیت باز می‌دارد. به نظر می‌رسد، در تبیین نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، نویسنده نتیجه نهایی را در مباحث ابتدایی گرفته است. در پیش‌درآمد کتاب، نویسنده به صراحت تکلیف خود را با بسیاری از موضوع‌های مطرح شده در نظریه‌های جامعه اطلاعاتی روشن می‌کند. از این رو شاید عنوان «نقد نظریه‌های جامعه اطلاعاتی» برای این کتاب مناسب‌تر باشد تا «نظریه‌های جامعه اطلاعات». چرا که خواننده اثر، از ابتدا، شاهد تکاپوی طولانی نویسنده برای خدشه وارد کردن به دیدگاه کسانی است که بر این باورند: نشانه‌های آشکاری از ظهور جامعه نوین، با ویژگی‌های نوین در ابعاد گوناگون، و مناسبات و روابطی دگرگون دیده می‌شود. نقدهای نویسنده همواره بر سر نظریه اندیشمندان نام برده شده در کتاب، سایه انداخته است.

۲- نویسنده با طرح دشواری‌های اندازه‌گیری و سنجش کمی شاخص‌های تعریف جامعه اطلاعاتی، احکام کلی صادر کرده و به موعظه روی آورده است. وی در بخش دوم ضمن طرح موضوع «جامعه اطلاعاتی چیست؟»، چند پرسش بسیار رایج و آشنا، پیرامون سنجش فناوریانه جامعه اطلاعاتی مطرح کرده و به همین سادگی نتیجه می‌گیرد که: «با پرسیدن این پرسش‌ها متوجه می‌شویم که تعریف فناوریانه از جامعه اطلاعات، اگرچه در آغاز خود گواه به نظر می‌رسند، اما در فرجام، روشنی ندارند... کسانی که ادعا می‌کنند، همسازی با ICTs مشخص‌کننده سیمای جامعه‌ای اطلاعاتی، شایسته است که درباره منظورشان دقیق باشند» (ص ۳۸). این در حالی است که به نظر نمی‌رسد با طرح پرسش‌هایی در زمینه ناهماهنگی/ دشواری‌های مقیاس‌سازی و اندازه‌گیری بتوان به چنین نتیجه‌ای رسید.

۳- اگرچه نویسنده تلاش کرده نگاه انتقادی خود را به نظریه‌های مورد بحث، مطرح نماید اما گاهی با بیان جملات معترضه‌ای، بی‌طرفی خود را در نقد و بررسی مخدوش می‌سازد. به عنوان نمونه، وقتی کاستلر به صراحت بریدگی خود را از مارکسیسم اعلام می‌نماید، بیان این که «او هنوز زیر منش مارکسیسم است» (ص ۱۹۳)، چندان موجه نیست و ضرورتی هم برای این اصرار نویسنده وجود ندارد. نویسنده هم‌فکری بیشتر با دیدگاه‌های طیف گیدنز و هابرماس و مانند آنها دارد و بخش دهم کتاب، به طور آشکاری این نکته را اثبات می‌کند.

۴- نویسنده با این فرض که «انقلاب اطلاعات رخ داده که پیامدهای اجتماعی ژرفی به همراه داشته»، تقابل جدی و ستیزه‌جویانه دارد و آن را گزاره درستی برای معرفی جامعه

برای تألیف این اثر، از

حدود یک‌هزار منبع،

اعم از کتاب، مقاله، و

گزارش استفاده شده

است. نویسنده نشان

داده است که تک‌تک

منابع این سیاهه انبوه،

در خلق اثر، تأثیرگذار

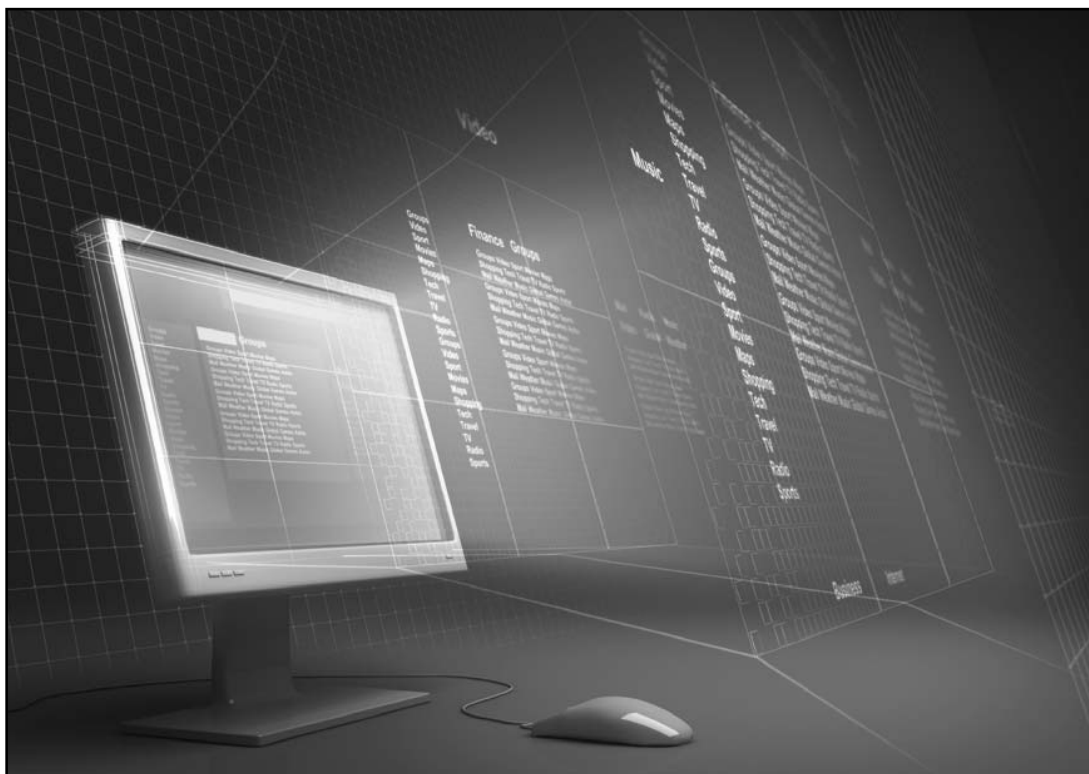
بوده‌اند و به نوعی،

این سیاهه می‌تواند

یک کتاب‌شناسی برای

نظریه‌ها و رویکردهای

جامعه اطلاعاتی باشد



**چشم‌گیرترین نکته‌ای
که در ترجمهٔ کنونی
دید می‌شود، نامفهوم
شدن برخی عبارات به
دلیل استفاده از واژگان
نامأنوس برای خوانندهٔ
ایرانی عصر حاضر
است**

دشواری را به انجام رسانده است. قابل فهم و روان بودن اثر، باید اولویت نخست قلمداد شود. فارسی‌سازی و کنار گذاردن واژگان انگلیسی و عربی در این اثر، اگرچه اقدامی پسندیده است اما زیاده‌روی در این زمینه، در مواردی موجب نامفهوم شدن عبارات شده است. یک اثر علمی، برای خوانندهٔ پژوهشگر و دانشجو باید زبان متعارف علمی باشد. گرایش به استفاده از واژگان کهن پارسی، موجب شده است گاه برای رفع ابهام، از مترادف‌ها هم استفاده شود. به واقع چشم‌گیرترین نکته‌ای که در ترجمهٔ کنونی دیده می‌شود، نامفهوم شدن برخی عبارات به دلیل استفاده از واژگان نامأنوس برای خوانندهٔ ایرانی عصر حاضر است. نگارنده، اشکالی به ترجمه وارد نمی‌کند بلکه رسا بودنِ برابره‌های فارسی را مورد پرسش قرار می‌دهد. با چنین رویکردی، خواننده در فهم برخی از جملات با دشواری مواجه می‌شود. مثلاً «فراوری و خدمات انبوه به فراوری و خدمات گرانش‌نگ تبدیل شده است»^{۱۲} (ص ۱۶۶)، «برای برخی از افراد، پدیداری همگان دارای آموزش‌های دانشگاهی خبر می‌دهد که دسترسی آسانی به دانایی یا معلومات دارد و...» (ص ۲۰)، «به شیوه‌های گوناگون می‌توان برای نهش و موضع پسامارکسیستی او گواهایی به دست آورد: ... در متقاعد شدن در این‌که سیاست‌های هویتی مانند حقوق حیوانات و فمینیسم اکنون برجستگی بی‌اندازه‌ای

کنونی به عنوان جامعهٔ اطلاعاتی نمی‌داند. به واقع، این رویکرد نویسنده موجب ایجاد نوعی تعلیق برای مخاطب می‌شود که: آیا «انقلاب اطلاعات» رخ داده است یا خیر؟ این همه دگرگونی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با کدام پشتوانهٔ نظری باید تبیین کرد؟ چگونه خواننده متقاعد شود که «اطلاعاتی‌سازی» راه بهتری برای درک دنیای امروز است؟ آیا اعتقاد راسخ نویسنده، می‌تواند اثبات‌کنندهٔ مناسبی باشد؟ ۵- نویسنده به نقد و بررسی نظریهٔ کسانی پرداخته که درک ماهیت اندیشهٔ آنان نیازمند مطالعهٔ عمیق آثارشان است و در یک بررسی کلی همراه با نقدهای گزندهٔ بجا و بی‌جا، فهم اندیشهٔ آنان شاید بسیار دشوار باشد. اذعان نویسنده دربارهٔ این که «برخی خوانندگان ممکن است بپذیرند که این کتاب را به عنوان اثری از یک نظریه‌پرداز پیچیده‌گو کنار بگذارند»، و پیش‌بینی «سردرگمی» احتمالی برخی مخاطبان، اثبات‌کنندهٔ این مدعاست.

۶- گاه نویسندهٔ اثر، محتوای کتاب خود را برای شیفتگان و دلباختگان جامعهٔ نوین/ اطلاعاتی، ناخشنودکننده می‌داند و عاملی برای برآشفتن آنها (صص ۲۵-۲۶). به نظر نمی‌رسد بیان چنین گمانی، کمکی به سکوت منتقدین کتاب حاضر باشد.

نقطه ضعف ترجمه

۱- این کتاب یک متن علمی علوم انسانی و دارای پیچیدگی مفهومی است و مترجم محترم نیز کار

پی‌نوشت‌ها

* elpdoc@gmail.com

1. Yoneji Masuda
2. Umesao Tadao
3. Hayashi Yujiro
4. Suh & Lim
5. Daniel Bell
6. Nick Moore
7. Karvonen
8. Karvalics
9. post-industrial
10. public sphere
11. informatisation
12. There has been a shift away from mass towards high-value production and services. (Webster, 2006:p. 84).
13. His post-Marxism is evident in various ways: in a conviction that identity politics such as animal rights and feminism now matter enormously and that these cannot adequately be explained in terms of class; and in a jaundiced perception of intellectuals' political advice. (Webster, 2006:p. 99).

دارند و این که این‌ها نمی‌توانند به اندازه بسنده به زبان طبقه گفته شوند؛ و دریافت رخ‌نمایانه و آشکار از پیشنهاد سیاسی روشن‌اندیشانه^{۱۳}» (ص ۱۹۳).

به ویژه آن که در مواردی برای مخاطب عام، مشخص نشده است این واژگان، برابر فارسی کدام واژه انگلیسی هستند. مانند: دگرگونی نهش و موضع (transition) (ص ۱۸)، ناسازنا (Paradoxically) (ص ۵۲)، رخ‌نمایانه! (jaundiced) (ص ۱۹۳)، فراوری (production) (ص ۳۲). حتی در مواردی مترجم محترم ناگزیر به ذکر معادل فارسی (عربی) دیگر برای واژگن خود شده است، مانند «پایبندان» (ص ۱۲۶) به عنوان ترجمه surety و درج «ضمنان» در پاورقی به عنوان برابر دیگر آن. همچنین استفاده از دو واژه مترادف در ترجمه، در برابر یک واژه متن اصلی، مانند سناریو و نمایش‌نامه در برابر scenario. در بخش چهارم، عنوان regulation school theory به «نظریه دبستان سامان‌بخشی» ترجمه شده است (ص ۱۲۵). به لحاظ ادبی، نمی‌توان خدشه‌ای بر این برابرگذاری وارد ساخت اما جامعه مخاطب، همواره «مکتب» را به عنوان برابر school می‌شناسد و با آن آشناست.

نتیجه‌گیری

کتاب جامعه اطلاعاتی، اثری جامع برای اندیشه‌ورزان و پژوهندگان علاقه‌مند به حوزه‌های جامعه‌شناسی فناوری، آینده‌پژوهی، و ارتباطات اجتماعی است. این اثر، چشم‌انداز روشنی از سیر تحول اندیشه‌های مرتبط با جامعه اطلاعاتی پیش روی خواننده می‌گذارد و نویسنده، ضمن حفظ جایگاه نقادانه خود، با استناد به منابع گسترده، تلاش درخوری برای به نقد کشیدن دو دسته از نظریه‌های مطرح پیرامون جامعه اطلاعاتی به انجام رسانده است. با این حال، فراز و نشیب‌های فراوان مطالب، ممکن است مخاطب را به درک روشنی از مفهوم جامعه اطلاعاتی رهنمون نسازد؛ چرا که نویسنده اساساً این مفهوم را معیوب و نارسا می‌داند.

در ترجمه این ویرایش کتاب، مترجم فرهیخته اثر، با وجود اهتمام فراوان در روان‌سازی متن، نگاه ادیبانه‌ای به ترجمه داشته‌اند. به نظر می‌رسد زیاده‌روی در این زمینه، به سهولت فهم کتاب آسیب رسانده که امید است این رویه در چاپ‌های بعد متعادل شود.

پیشنهاد

از آن‌جا که مترجم گران‌قدر، بر رواج نگارش فارسی تأکید دارند، در مواردی که لازم است برابر انگلیسی واژگان و مفاهیم در پاورقی درج شود (در مواردی نیز چنین عمل شده است). درج یک واژه‌نامه دوزبانه در انتهای کتاب می‌تواند یافتن برابره‌های انگلیسی را آسان‌تر کند.

در ترجمه این ویرایش
کتاب، مترجم فرهیخته
اثر، با وجود اهتمام
فراوان در روان‌سازی
متن، نگاه ادیبانه‌ای به
ترجمه داشته‌اند

مآخذ

- Karvalics, László Z. (2007). Information Society what is it exactly? (The meaning, history and conceptual framework of an expression). Budapest: Education and Culture; Leonard da Vinci & NETIS.
- Karvonen, Erkki (2001). Are we living in the Information Society or in the Knowledge Society? A Deeper Look at the Concepts of Information. In Informational Societies: Understanding the Third Industrial Revolution and Knowledge, Erkki Karvonen (Ed). Tampere University Press.
- Suh, Yijong and Lim, Hyun-Chin (2002). Korea in the 21st Century as Knowledge-Information Society: Toward an Integrated Paradigm. Korean Social Science Journal, Vol. 29, No. 1, pp. 33-73.
- Webster, Frank (2006) Theories of the Information Society. London: Routledge.